



اشاره

قدسیه جوانمردگیو، متولد یکی از روستاهای شهرستان بیرجند است. وی در سال ۶۰ وارد تربیت معلم شهید کامیاب مشهد شد و پس از فارغ التحصیلی، ۴ سال در روستاهای زیرکوه، قاین، خوسف و بخش مرکزی بیرجند خدمت کرد و بعد از آن برای ادامه تحصیل در کارشناسی علوم تربیتی - گرایش آموزش ابتدایی به مشهد رفت. آن گاه از سال ۶۸ در دبستان‌های دخترانه و پسرانه شاهد بیرجند، دانش سرای تربیت معلم، دوره‌های ضمن خدمت و مراکز آموزش عالی فرهنگیان و نیز دوره‌های بدو خدمت آموزش یاران نهضت سوادآموزی تدریس کرد. سپس ۳ سال به عنوان معلم راهنما مشغول به خدمت شد و بعد به سمت مدیر یکی از مدارس پرجمعیت و محروم منطقه شمال شهر بیرجند منصوب شد و سال‌ها در این سمت فعالیت کرد. به انگیزه انتخاب وی در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ به عنوان مدیر نمونه کشوری، با وی گفت‌وگویی ترتیب داده شده است که چکیده‌ای از آن در پی می‌آید.

در مورد انتخاب مدیران و معلمان

نمونه در سطح منطقه و شهرستان و سپس استان و کشور،

آیا ضوابط فعلی را کافی می‌دانید؟ به عبارت دیگر آیا شما ویژگی خاصی

داشته‌اید که در انتخاب شما به عنوان مدیر نمونه کشوری نقش داشته است؟

■ انتخاب خود به عنوان مدیر نمونه کشوری را تنها از فضل خدای متعال و بزرگواری همکارانم

می‌دانم و به جرئت می‌گویم هرگز کسب این عنوان به تنهایی میسر نبود. در این انتخاب پدر و مادری

شریک‌اند که تمام هم و غم خود را برای تربیت فرزندان صالح گذاشتند؛ همسر و فرزندان که با بزرگواری،

مشغله‌های کاری‌ام را پذیرفتند و امکان تلاش را برایم مهیا ساختند و همکاران و بزرگواری که سال‌ها در

محضرشان شاگردی کردم و بسیار چیزها آموختم و تنها آموخته‌هایی را که از تمامی آنان به دست آورده بودم به کار

بستم. البته در این میان نباید نقش مطالعه و دسترسی به منابع مهم، از جمله مجلاتی چون مجموعه رشد؛ نگاه و...

را فراموش کرد. در کنار آن‌ها به عنوان بیان پاره‌ای از آموخته‌ها گاهی دست به قلم بردم و مقالاتی نوشتم و در تمام

سال‌های خدمتم سعی کردم، صادقانه هر آن چه را یاد گرفته‌ام، به دیگران منتقل کنم.

فکر می‌کنم شیوه انتخاب مدیران و معلمان نمونه در وضعیت فعلی در برخی موارد بسیار کلی است و مواردی خاص

در آن لحاظ نمی‌شود؛ به عنوان مثال سنجیدن مدیرانی که مدارس را با امکانات و تجهیزات کامل تحویل

می‌گیرند و می‌توانند همکاران و دانش‌آموزان نخبه و برجسته انتخاب کنند، با همکاری که در محروم‌ترین

مناطق، مدارس را با مشکلات فراوان و با کودکان بسیار متفاوت با مدارس خاص اداره می‌کنند، خیلی

عادلانه نیست. مشکلات حاکم در این مدارس، مدیر را از نقش اصلی، که نقش نظارتی و

هدایت‌گرانه است، باز می‌دارد. لذا چه خوب خواهد بود که در انتخاب معلمان و مدیران

نمونه، بالاترین امتیازات در یک بازه زمانی، از نظر شاخص‌های خاص

مدیریتی و فن معلمی مورد سنجش دقیق قرار گیرند.

گفت‌وگو

گفت‌وگو: فاطمه قائمی

گفت‌وگو با

قدسیه جوانمردگیو،

مدیر نمونه کشوری

شهرستان بیرجند

سه پرسش عاطفی از مدیر دبستان عاطفه

به عنوان فردی که اکنون به

عنوان مدیر نمونه کشوری دست یافته است،

شاید بتوان شما را به نوعی نماینده دیگر مدیران کشور در

آموزش و پرورش دانست. اگر قرار باشد از مسئولان ارشد آموزش و

پرورش ۴ درخواست مهم داشته باشید، روی چه مواردی تأکید می‌کنید؟

■ البته من خودم را به هیچ عنوان نماینده مدیران دیگر نمی‌دانم. در ثانی، شاید ۴

درخواست بسیار کم باشد، ولی چون پرسیده‌اید، روی این ۴ نکته تأکید می‌کنم:

یک) بهتر است مدیران براساس ضابطه و از بین نیروهای باتجربه که چند سال معاونت و معلمی را به عهده داشته و کارایی خود را نشان داده‌اند، انتخاب شوند.

دو) برای ارتقای جایگاه رفیع معلم و مدیر، اگر چه گام‌های مهمی برداشته شده، اما باز هم می‌طلبید که امکانات و شرایط زندگی به گونه‌ای فراهم شود که موقعیت آن‌ها را از کاربرد به مدیران و رهبران آموزشی و تربیتی و مدیران کلاس درس تبدیل کند.

سه) افزایش دانش مدیران و معلمان، به گونه‌ای نظام‌مند که بتواند در انجام امور آموزشی و تربیتی محوله راه‌گشا باشد.

چهار) آموزش مدیریت بحران از ضروریات است یک مدیر و معلم باید بتواند

شرایط خاص پیش‌بینی نشده را مدیریت کند و در پیش‌برد امر

آموزش از آن بهره‌جوید. در طی این سال‌ها این

آموزش غفلت شده است.

همپای مدیر

نمونه ما

قدسیه جوانمرد در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرده است. همسر وی، ناصر عسکری، نیز فرهنگی است و در طول زندگی، همراهِ همپای و مشوق خانم جوانمرد در انجام امور مدیریتی و خانوادگی به‌شمار می‌آید. ثمره ازدواج این زوج فرهنگی، سه فرزند (یک پسر و دو دختر) است. خانم جوانمرد هم‌اکنون مدیر دبستان عاطفه در شهرستان بیرجند است.

یکی از خاطرات شیرین

دوران معلمی خودتان را تعریف کنید.

■ معلمی پر از خاطرات تلخ و شیرین است. یکی از

شیرین‌ترین خاطرات من به اسفندماه سال ۸۸ برمی‌گردد. در یکی

از روزهایی که در مرکز ارتقا آموزش‌های فرهنگیان شهرمان در کلاس

نشسته بودم، از لحظه‌ای که استاد وارد کلاس و مشغول تدریس شد، احساس

عجیبی داشتم. احساس می‌کردم چه قدر این نگاه‌ها برایم آشناست. هر چه به ذهنم

فشار می‌آوردم، کمتر به نتیجه می‌رسیدم. موقع تحویل لیست حضور و غیاب، هنگامی

که استاد به اسم من رسید برقی از خوشحالی در چشمانش درخشید و اشک در آن‌ها

حلقه زد. با همان معصومیت سال‌های قبل ذوق زده به طرف من آمد. گفت: «سلام

خانم، خودتان هستید؟ مرا به خاطر می‌آوردید؟ سال‌ها به دنبالتان گشتم.»

ناگهان شناختمش و فهمیدم دانش‌آموزی است که چندین سال قبل

در پایه سوم ابتدایی معلمش بودم. برای لحظه‌ای به بار نشستن

سال‌ها تلاش و زحمتم را دیدم و این برای تمام معلمان

شیرین‌ترین لحظه زندگی است.

با نمونه‌ها هم مثل

فوق لیسانس‌ها عمل کنند!

وقتی از خانم جوانمرد خواستیم علاوه بر چهار

پیشنهادی که به مسئولان ارشد آموزش و پرورش ارائه

کرده است، پیشنهاد دیگری هم در مورد معلم‌ها و مدیرهای

نمونه بدهد، گفت: نمونه شدن یک معلم یا مدیر پایان راه

نیست، بلکه آغاز تلاش جدید و بیشتر برای به ثمر نشستن

طرح‌ها و اندیشه‌هاست. از مسئولان محترم وزارت آموزش و

پرورش درخواست می‌کنم، چون اکثر همکاران در سنوات بالا

زمینه رسیدن به نمونه کشوری برایشان فراهم می‌شود،

فرصتی به آنان داده شود تا اگر تمایل دارند، همانند

نیروهای کارشناسی ارشد بتوانند تا ۳۵ سال به کار

ادامه دهند. همچنین امکان ادامه تحصیل

برای معلمان تا مدارج بالا فراهم

شود.